



۱۱ اردیبهشت

کارگران
متحد
شوید!

شماره ۷

سیمه اول اردیبهشت ۱۳۰۵

۵ ریال

۱۱ اردیبهشت روز همبستگی کارگران جهان



چرا باید کارگران روز اول ماه مه را جشن بگیرند؟

۹۳ سال پیش (سال ۱۸۸۶) بدنمال مبارزات آمریکا حدود ۱۵ ساعت در روز برای سرمایه داران چندین ساله کارگران آمریکا طبعه سرمایه داران و قدرت گرفتن نهضت کارگری در آمریکا که سرمایه داران را ناچار به مذاکره و زیاد کردن دستمزد کارگران کرده بود ، کارگران شیکاگو که در راس سندیکا و اتحادیه های کارگری آمریکا قرار داشتند ، روز اول ماه مه سال ۱۸۸۶ برای پائین آوردن ساعت کار تا ۸ ساعت در روز اعلام اعتصاب عمومی کردند . در آن زمان کارگران

آمریکا حدود ۱۵ ساعت در روز برای سرمایه داران کار میکردند و بنابراین اعلام جنگ جدید برای کارفرمایان کمر شکن بود . در این اعتصاب عمومی بیش از ۳۵۰۰۰۰ کارگر از سراسر آمریکا شرکت کردند و تنها در شهر شیکاگو تعداد اعتصاب کنندگان به ۴۰۰۰۰ تن میرسید که روز بعد این رقم به ۸۰۰۰۰ نفر رسید .

نیمه از صفحه ۱

سرمایه داران وحشت زده به هر خس و خاشاکی متوسل شدند تا برای نجات از این مهلکه کارگران را سرکوب نمایند. همه کارگران احتسابی را کمونیست و عامل امنیتی، اخلاص گر و... خواندند و جو کارگران عقب نشینی نکردند. بالاخره راه حل سرکوب مسلحانه کارگران را انتخاب کردند. نیروهای مسلح دولت سرمایه داران تحت نامهای بر طوطی "حفاظت نظم و قانون" و "جلوگیری از اخلاص گری" به صفوف کارگران حمله ور شده و آنها کشته و زخمی بر جای گذاشتند و ۱۰ تن از رهبران کارگران را دستگیر و در دادگاههای قضایی و فرمایشی محکوم به اعدام کردند. کارگران دستگیر شده از لحظه دستگیری تا لحظه اعدام از منافع کل کارگران دفاع کرده سر تسلیم در مقابل استعمارگران پائین نیاوردند.

کازگری ۲۱ ساله در "ادگاه" فریاد زد:

"تکرار میکنم که من دشمن نظم موجود هستم و اینکه تا زنده ام با تمام قدرت طبعه آن خواهم جنگید. حال مرا به خاطر این موضوع به دار بزنید."

کشتار بی شرمانه کارگران آمریکا، تمام کارگران و طرفداران آنان در جهان را به خشم آورده افکار عمومی جهان طبعه سرمایه داران بحرکت در آمد. در روز اول ماه مه سال بعد کنگره اتحادیه های کارگران آمریکا جهت زنده کردن خاطره مبارزات و شهادت رفقای کارگر خود تظاهراتی بظیمی در آمریکا برپا کردند و پس از آن در دومین کنفرانس جهانی احزاب کارگری (بین الملل دوم) در سال ۱۸۸۹، اول ماه مه مطابق با ۱۱ اردیبهشت بعنوان روز جهانی همبستگی تمامی کارگران و زحمتکشان جهان اعلام شد و بالاخره "روز کارگر" نام گرفت. در این سال بمناسبت جشن اول ماه مه کارگران جهان در کلیه شهرهای آمریکا، آلمان، انگلیس، فرانسه، بلژیک، هلند، سوئد و... تظاهرات با شکوهی برپا

کردند. از آن به بعد هر ساله کارگران در تمام نقاط جهان اول ماه مه را جشن میگیرند و خود را بهت کوبیدن آخرین مشت بر فرق سرمایه داری آماده میکنند.

در ایران هم کارگران این روز را روز همبستگی مبارزاتی خود با سایر کارگران جهان دانسته و در هر شرایطی چه مخفی و چه طنی این روز بزرگ کارگری را جشن گرفته اند. چون میدانند کسسه سرمایه داران دشمن واحد کارگران در همه جای دنیا هستند و برای غصب دسترنج کارگران هیچ مرزی را به رسمیت نمی شناسند.

برای اولین بار در ایران در سال ۱۳۰۵ در دوران سیاه دیکتاتوری رضا خان حدود ۷۰۰ تن از کارگران اول ماه مه را در باغی در نزدیکی دروازه دولت (تهران) جشن گرفتند. اما پلیس هم بیکار نبود و محل جشن را کشف و به آنها حمله ور شده حدود ۱۰۰ تن از آنان را دستگیر کرد. اما کارگران بزرگداشت این روز را از یاد نبردند و بار دیگر در سال ۱۳۰۸ اتحادیه کارگران نفت جنوب برای تجدید نظر در قرارداد نفت جنوب گه (امتیاز آن را انگلستان داشت) و همچنین به رسمیت شناختن اول ماه مه بعنوان "روز کارگر" در روز ۱۱ اردیبهشت تصمیم به احتساب گرفت که با وجود سرکوب پلیس و دستگیری ده زبادی از کارگران مبارز، در روز چهارم ماه مه (۱۴ اردیبهشت) کارگران کارخانه و طبعه اصهبان با احتساب اول ماه مه خود موفق شدند تا خواست خود مبنی بر ۹ ساعت کار در روز بجای ۱۲ ساعت را به کارفرمایان تحمیل نمایند. از آن به بعد نیز مراسم اول ماه مه توسط کارگران مبارز ایران بسادگی و ضعف متفاوتی در تهران، هراسان، اصفهان و... برگزار شد که با تهاجم پلیس به کارگران توأم بود.

بقیه در صفحه ۳

بقیه از صفحه ۲

برای اولین بار تحت فشار کارگران در شهریور ماه سال ۱۳۲۰ که مصاف با جنگ جهانی دوم و از هم پاشیده شدن شیرازه حکومت رضاه شاه هم بود، روز اول ماه مه از طرف دولت برسمیت شناخته شد و در سال ۱۳۲۵ اتحادیه کارگران نفت جنوب قادر شدند روز اول ماه مه را علنا جشن بگیرند و قانون ۸ ساعت کار در روز را از تصویب بگذرانند.

در سال ۱۳۳۰ هم بزرگداشت روز اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) بطور سراسری در ایران برگزار شد. اما پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که توسط سازمان جاسوسی سیا و عمال داخلی اش مانند زاهدی ها، شعبان بی بختها و اشرفها صورت گرفت و حکومت ملی دکتر مصدق را سرنگون کرده محدودیت های کارگران بیشتر و بیشتر شد و سرکوب هر گونه مبارزه کارگری در وحشیانه ترین شکل ممکن بصورت عادت رژیم وابسته به امپریالیسم محمد رضا شاه در آمد. اخراج، تبعید، شکنجه و کشتارها غفغان را بر مملکت حاکم میکرد اما کارگران مبارز ایران بدون واهمه از اخراجها، تبعیدها و شکنجه ها به مبارزات خود بصورت طنی و مخفی ادامه میدادند و سندیکا های مختلف کارگران صنعت نفت، چاپخانه ها، فلز کار مکانیک، خیابان، صنف خیاط و . . . جشن اول ماه مه را هم بنا بر امکانات خود بنحوی برپا میکردند. الاخره روز اول ماه مه بعنوان "روز کارگر" آنقدر در ارگران جا افتاده بود که حتی رژیم فاشیستی شاه هم نتوانست آنها را از ذهن کارگران پاک کند و در سال ۱۳۵۲ شاه جلا د هم ۱۱ اردیبهشت را تعطیل رسمی اعلام کرد اما کماکان نیروهای مسلح، صفوف کارگران بیوش وحشیانه میبردند. که یکی از ونه های بارز این کشتارها حمله به صفوف کارگران ارز جهان جیت در هشتم اردیبهشت ماه سال

۱۳۵۰ در محل کاروانسرا سنگی جاده کرج و شهابت حدود ۲۵ تن از کارگران انقلابی میهنمان مان بود. خاطره همه کارگران شهید گرامی باد. بعد از سرنگونی رژیم شاه در قیام بهمن ماه و برقراری "جمهوری اسلامی" کارگران نتوانستند اول ماه مه را با تمام کم و کاست در سراسر ایران جشن بگیرند و راهپیمایی نمایند اما باز هم جفا که در اولین "بهار آزادی" حکومت جمهوری اسلامی نیز با انواع حيله ها و شیوه های شناخته شده سرمایه داران سعی در تخطئه اول ماه مه نموده به ارازل و اهاش امکان داد تا به تظاهرات کارگران در روز هجستگی جهانی کارگران حمله کنند و در انجام تظاهرات اغلال کنند. در تهران، تبریز، اهواز، دزفول، آبادان، شیراز، کرمانشاه، رشت، پابل، ساری، گرگان و . . . همه جا تظاهرات کارگران بسا حمله اهاش و حتی سلسل بدستان کمیته رهبر و گردید و کارگران، این انقلابی ترین طبقه اجتماعی که بار جامعه را بر دوش میکشند در "بهار آزادی" دهها تن زخمی و زندانی دادند. باید پرسید چرا؟ حاکمین جدید که مدعی طرفداری از مستضعفان جهان هستند پس از سرنگونی رژیم فاشیستی شاه که شکستن ستون فقراتش به عهده کارگران و زحمتکشان بود، روز جهانی کارگر را به رسمیت نشناختند و این روز را از تعطیلات رسمی کارگری حذف کرده بودند و وقتی که کارگران از آنها دلیل خواستند سختگویان دولت به اصطلاح انقلابی بازرگان گفتند:

"چون ما میخواهیم جامعه بی طبقه توجیدی برقرار کنیم در این جامعه همه یکی هستند، یکی کارگر است و دیگری کارمند. از همین الان این روابط را شروع میکنیم به در هم ریختن و بنا برین دیگر روز کارگر نداریم و حذف شده است."

(دانشمند امور بررسی شوراها وزارت کار در دومین جلسه شوراها در وزارت کار)

بقیه در صفحه ۴

و یا :

از صفحه ۳

چون جامعه ما يك جامعه اسلامي است و روز کارگر هم روز عزیزی است و به عزیزی کارگر باید که پیامبر اکرم دست کارگر را بوسه زد و ما چون بهرمان آن حضرتیم تمام روز های سال را روز کارگر میدانیم یعنی ۳۶۵ روز سال از نظر ما روز کارگر است پس دلیلی ندارد که ۱۱ اردیبهشت را روز کارگر بدانیم ."

(رضا نعمت زاده وزیر کار در چهارمین جلسه گنگره سراسری شورای اسلامی در مسجد الجواد)

همه میدانیم که کارگران تمام مدت سال بجز چند روز را کار میکنند و تنها مقدار کمی از حق خود را به عنوان مزد دریافت میکنند ولی در عوض سود کلانی از دسترنج کارگران به جیب سرمایه داران میریزد. پس در حقیقت آقای وزیر کار که رفیق کارفرما است میخواهد بگوید که ۳۶۵ روز سال از نظر او روز کار کردن کارگران و همیشه و خوش سرمایه داران است و بنابر این نباید يك روز آن (۱۱ اردیبهشت) با جمع شدن کارگران و اعلام جنگ به کارفرمایان روز روشن سرمایه داران را به شب تاریک تبدیل شود . نباید کارگران فکر کنند که میشود با میتوانند "نظم" و "قانون" را بر عم زبند و توطئه و اخلاص گری کنند و خلاصه اگر کارگران به حرف ما گوش نکنند حتما رفیق اجنبی هستند ! میبینیم که در حرفهای آقای وزیر همه چیز هست بجز يك جو صداقت. آقای وزیر کار صدا فراموش میکند که همین کارگران قبل از آنکه وزیر کار " آقای وزیر " شود و برای آنها فلسفه "نظم" و "قانون" بیافند آنها خودشان بهتر از هر کس نظم و قانونی را که بر خلاف زحمتکشانشان شناخته اند و با احتسابات و مبارزات پیگیر خود این نوع نظم را شکسته اند و بر سر این کار خونها دادند و آقای وزیر میخواهد این خونها را پایمال کند . پس از قیام کارگران نظم به نفع کارگر نخواهند ،

نه به نفع سرمایه دار . قانون کارگری میخواهند ، نه قانون استثمار . وزیر کارگری میخواهند ، نه آقای فروهر و انتظام .

کارگران آگاه میدانند که تا سرمایه داری هست فقر و بدبختی ، ظلم و جنایت ، فحشا و فساد هست و بار سنگین تمامی این فشارها اول از همه بر دوش کارگران است و در عرض یکسال پس از قیام این مسئله برای کارگران بخوبی روشن شده است . آنها حق دارند از اظهارات مسئولان ضد کارگری خشمگین شوند . این خشم ، خشم امروز نیست کینه صد ساله است و این خشم دست آخر تسوی سر سرمایه داری خواهد خورد .

فرمان زوال سیم و زر خواهم داد
نعمت همه را به کارگر خواهم داد
یا افسر ظلم را نگون خواهم کرد

پس در سر این عقیده سر خواهیم داد
(لاهوتی)

اما بقول معروف يك دست صدا ندارد . کارگران زمانی میتوانند جامعه را از بند نجات دهند که همه دست در دست هم با اطلاع از حقه های رنگ و وارنگ سرمایه داری ، آگاهانه طیه آن وارد معرکه شوند و حکومت را بنفع تمام زحمتکشانشان بدست گیرند ، تولید را از بند سرمایه دار خلاص کنند و در دست خود بگیرند و برای همیشه انسان را از بندگی آزاد کنند .

اولین قدم مهم برای این کار ایجاد تشکیلات سراسری و مستقل کارگری است که میتواند دستها را بهم فشار دهد و مشتها را یکی کند تا سرمایه داری را در هم گوید .

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

تا که از روز ستعمار بر آرند دمار
(لاهوتی)

همگی به استقبال ۱۱ اردیبهشت
بشتابیم



گزارشی دیگر از کارخانه آژور

بعد از اینکه آقای جلیلی حدود ۷۰۰ هزار تومان اجناس کارخانه را بیرون برد، دوباره شروع به بهانه گرفتن کرد. وی گفت کارخانه تولید نمی کند کارگران کم کار میکنند و از این قبیل بهانه ها. تا يك روز که همراه خانمش به کارخانه آمده بود یکی از سرپرستان بهم کارخانه را صدا کرده و به وی پرخاش میکند که شما کم کاری میکنید. و سرپرست مذکور هم چون ناراحتی اعصاب داشت پس از اینکه از پیوستن آقای جلیلی میآید از شدت ناراحتی بیپوش شده کارگران بلافاصله او را به بیمارستان منتقل میکنند. بدنبال این اتفاق کارگران از نهار خوری بیرون ریخته خواستار تعیین تکلیفشان شدند. کارگران تا رسیدن خبر بهبودی سرپرست و روشن شدن وضع کارخانه اعلام میکنند که آقای جلیلی باید در دفترش باقی بماند. پس از کشمکشها کمیته دپسو ساعت ۷ شب میآید و بالاخره با گرفتن يك جك يك ميليونی بعنوان تضمین از جلیلی کارگران مسازند آژور وی را رها میسازند.

کشمکشها ادامه پیدا میکند تا اینکه يك روز اعضای شورا در زمانی که جلیلی در کمیته بود به آنجا میروند. جلیلی بدنبال اصرار قهلی خود میگوید سه تن از اعضای شورا و هفت نفر از کارگران کارخانه باید اخراج شوند. او میگوید مشکل همین ده نفر هستند. بالاخره موافقت میشود که این ده نفر اخراج شوند و او بعدا حکم اخراج آنها را از وزارت کار بیاورد. همانروز (۵ شنبه) سرپرست کمیته به سه نفر اعضای شورا میگوید که چون اخراج هستند شنبه نباید به کارخانه بیایند. شنبه جلیلی که به کارخانه میآید میخواهد آن هفت نفر دیگر را هم از کارخانه بیرون کند. کارگران با اطلاع از ماجرا و نیامدن سه عضو شورا به خشم آمده کارفرما را دوباره به گروگان میگیرند. کارگران اعلام میدارند که تا شورا بد سر کار نیاید و تکلیف کارخانه روشن نشود

کارفرما آزاد نخواهد شد. در این موقعیت جلیلی مینویسد و امضا میکند که اعضا شورا به سرکار برگردند. ولی کارگران مبارز آژور که دیگر با حيله های کارفرما آشنا شده بودند این امضا را قبول نمیکند. کارگران در این زمان خواستههای دیگر خود را که کارفرما مدتها بود از جواب گفتن به آن با حيله و تزویر تفرقه میرفت طرح نموده و میگویند که او باید سود ویژه کارخانه را هم پرداخت نماید. بالاخره شب عده ای بازاری مانند دفعات گذشته به کارخانه آمده و با دادن مقداری پول و ۲۰۰ هزار تومان جك به کارگران بابت سود ویژه و حقوق عقب افتاده آنان جلیلی را با خود میبرند.

فردای آنروز اعضا شورا با همت کارگران به سر کار خود برگشته و شروع به جمع آوری جنس برای کارخانه میکنند تا تولید متوقف نشده و کارخانه تعطیل نگردد. چندی بعد جلیلی در پی حيله جدیدی از اعضا شورا میخواهد که به دفتر او بروند. شورا به دفتر جلیلی که چند بازاری هم در آنجا بودند میروند. پس از مذاکرات طولانی خواسته های کارگران که در بازده نادره توسط شورا طرح شده بود مورد توافق حاضرین در جلسه قرار میگیرد. سود ویژه کارخانه که توسط یکی از بازاریان حاضر با يك جك پرداخت شده بود نقد شده و به کارگران پرداخت میشود. ۶۰ هزار تومانی را هم که کارفرما در توافق نامه تعهد به پرداخت آن داده بود به بهانه اینکه سود ویژه زیاد شده پرداخت نمیکند. بدنبال این واقعه کشمکش شروع شده و پس از آن کارگران به انبار شرکت که در محل دیگری واقع شده رفته و مقداری جنس از انبار به محل کارخانه میآورند. حلیل که میبیند نقشه هایش نقش بر آب شده کارگران را متهم به دزدی کرده و به تمام کسانی که مواد اولیه به کارخانه میآورند اطلاع میدهد که به کارخانه جنس ندهند. وی همچنین به تمام خریداران کارخانه اطلاع میدهد که جنسی از کارخانه بقیه در صفحه ۶

بقیه از صفحه ۵

نخرند و از این طریق سعی میکند که کارگران را تحت فشار بگذارد و آنان را وادار به تسلیم نماید. کارگران در این شرایط با کوشش زیاد وسائل کارخانه را فراهم میسازند و تولید را ادامه میدهند. کارفرما حتی کوشش میکند که با استفاده از عناصر داخلی اثر بین کارگران تفرقه بیاندازد. شورا بمنه مقامات اجرائی دولت شکایت نموده آنان را در جریان کلیه امور میگذارد.

قبل از شروع تعطیلات نیروزی کارگران این پیروزی را جشن گرفته و بر خلاف سالهای قبل خود شحال به تعطیلات میروند. شورا نیز برای جلوگیری از هرگونه سوء استفاده کارفرما در دوران تعطیلات و نگهبان در کارخانه میگذارد. اما پس از تعطیلات نیروزی آقای جلیل حیلله گری های خود را برای سرکوب مبارزات کارگران ادامه میدهد. وی با نمایندگانی از دادستانی به کارخانه آمده و گزارشی تهیه میکنند. وی سپس جلسه ای تشکیل داده و از شورا میخواهد که ۲۰٪ فروش به او تعلق بگیرد و چون نمایندگان کارگران این مسئله را قبول نمیکند وی به توطئه های خود علیه کارگران ادامه میدهد. طبیعی است که مبارزات کارگران کارخانه ازور تا پیروزی قطعی یعنی پیروزی کلیه کارگران بر سرمایه داران ادامه خواهد یافت.

توضیح

خواننده عزیزه از تاخیر در انتشار اردیبهشت که پس از شماره ۵ برای مدت کوتاهی دچار وقفه شد بوزش میخوایم متأسفانه شماره ۶ اردیبهشت که در آواخر فروردین ماه آماده چاپ بود به علت جو پلیسی و حمله به چاپخانه ها از بین رفت. به همین دلیل شماره ویژه اول ماه مه با چاپ نامرتوب در اختیار شما فرار میگیرد.

بقیه از صفحه ۷

و بیش از ۲۰ تن از آنان بر روی سنگرش خیابانی در کاروانسرا سنگی به شهادت رسیدند. خون سرخ کارگران جهان چیت منظره ای از دریای بیکران هختم و نفرت میلمیونها توده کارگر و زحمتکش میهنمان بود که عاقبت رژیم سفاک پهلوی را سرنگون و به زباله دانسی تاریخ سپرد.

تصویر فوق صحنه خونین سرکوب کارگران جهان چیت را در آستانه ۱۱ اردیبهشت سال ۱۳۵۰ به نمایش میگذارد. این تصویر از تابلوی ارزشمند یکی از هنرمندان ایرانی در موزه هنرهای معاصر تهیه شده است.

سرود انترناسیونال

برخیز ای داغ لعنت خورده
دنیای فقر و بندگی
شوریده خاطر ما را برده
به جنگ مرگ و زندگی
باید از ریشه براندازیم
کهنه جهان جور و بند
وانگه نوین جهانی سازیم
هیچ بودگان هر چیز گردند
روز قطعی جدال است آخرین رزم ما { الف
انترناسیونال است نجات انسانها
بر ما نبخشد فتح و شادی
خدا نه شه نه قهرمان

با دست خود گیریم آزادی در بهکارهای بی امان
تا ظلم را از عالم بیرویم نعمت خود آریم بندست
دمیم آتش را و بکوبیم تا وقتی که آهن گرم است
روز قطعی جدال است آخرین رزم ما { الف
انترناسیونال است نجات انسانها
نیها ما توده جهانی اردوی بیشمار کار
داریم حقوق جهانیانی نه که خونخواران غدار
شرد وقتی رعد مرگ آور بر رهزنان و دزدان
در این عالم بر ما سراسر
تا بد خورشید نورافشان
{ الف

★★★

زحمتکشان بدانید دانشگاه شهید داد

هفته گذشته شاهد یکی دیگر از صحنه‌های خونین و سرکوب و حشیانه فرزندان لاشید و انقلابی میهنمان در سرتاسر ایران بودیم . رژیم حاکم تاکنون تعداد بیشماری از هموطنان ما را به بهانه‌های مختلف به خاک و خون کشیده است . یک روز در کردستان ، روز دیگر در خوزستان زمانی در گنبد و تبریز و غیره خون براه میاندازد . تجربه ثابت کرده است که رژیم جمهوری اسلامی هر زمان که منافع خود را در خطر می‌بیند با تحریک احساسات مذهبی توده‌های مردم و سوء استفاده از عواطف آنان نیروهای مترقی و چپ را بهانه قرار داده و با انداختن چاقوکشان و هفت تیرکشهای مزدور بجان مردم اهداف خود را عملی میکند . او برای توجیه جنایات خود هر بار توده‌های بی اطلاع و ساده دل را که به روحانیت اعتماد کرده‌اند به خیابانها ریخته و به اعمال کثیف خود جنبه قانونی میدهد . دانشگاهها در سرتاسر ایران در یک چشم بهم زدن غرقه در خون شدند ، شهدا و شیراز اهواز ، رشت ، تبریز و بالاخره تهران در سوگشدها ماتم گرفتند . اگر رژیم شاه با کشتن سه دانشجو شریعت رضوی ، قندچی ، بزرگ‌نیا ، روز ۱۶ آذر را آفرید ، امروز رژیم جمهوری اسلامی با شهادت دهها دانشجویی شاه را سفید کرده است .

این جنایت هولناک فقط و فقط از دست رژیم‌های جنایتکاری چون رژیم شاه در ایران ، رژیم پینوشه در شیلی ، رژیم فرانکو در اسپانیا و فاشیسم هیتلر در آلمان ساخته است . تفاوتی نمیکند که این رژیمها سلطنتی یا جمهوری اسلامی باشند ، هر نظامی که بر پایه ظلم و بی‌داد ، استثمار و بعدالتی استوار باشد ، سرنوشتی جز سرنوشت هیتلر و یا شاه نخواهد داشت . در بخشی از اعلامیه گروهی از کارگران مبارز شرکت ملی پروژه‌ای فاسترویلر - تهران جنوب در ساره

کشتار خونین دانشگاه آمده است

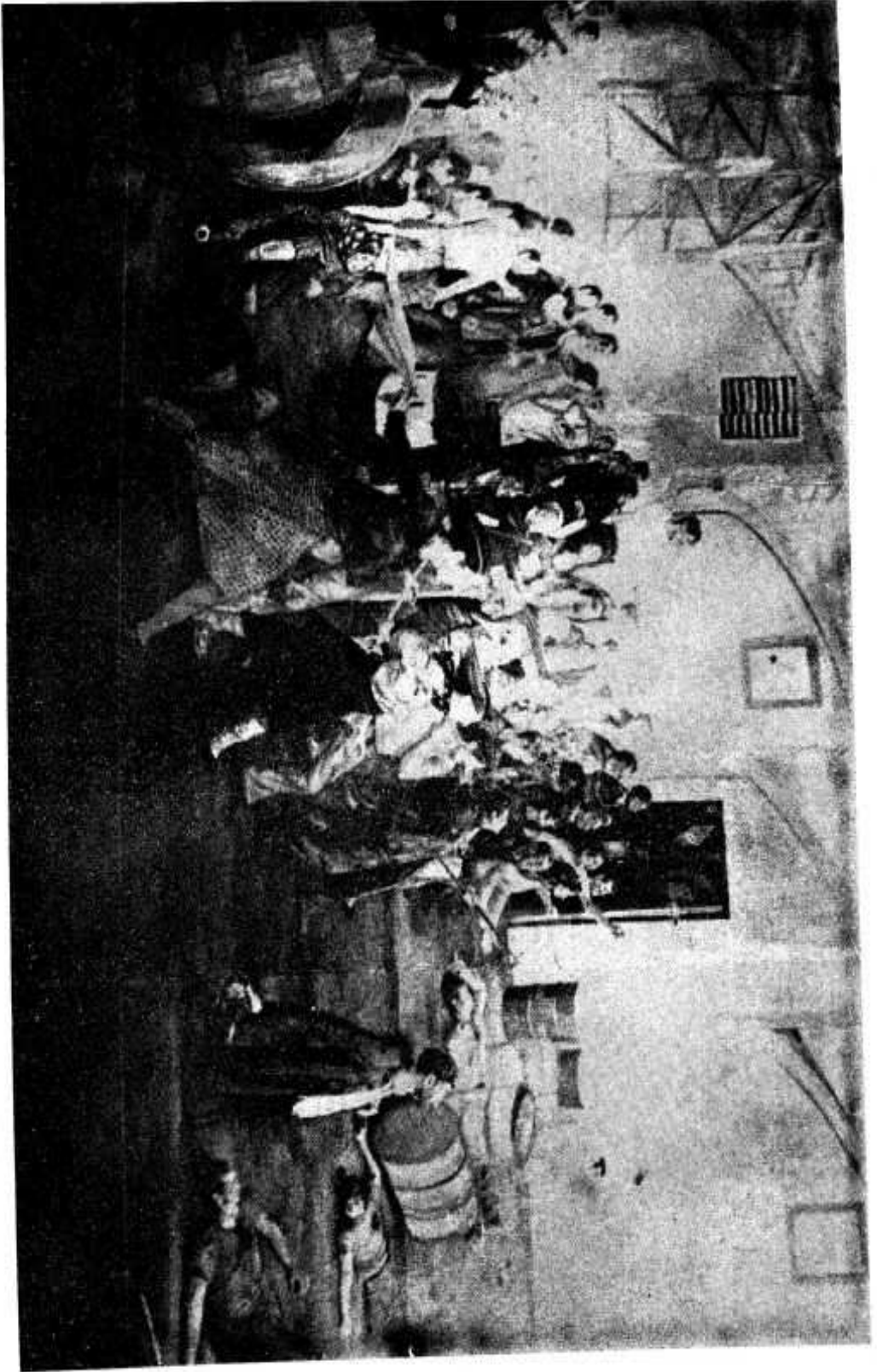
" آری این برنامه‌ای بود که با ارسال پیاده شد و اسامال نیز رژیم حاکم قصد دارد تا آنرا پیاده کند . اگر به اخبار مربوط به چند هفته اخیر توجه کرده باشید متوجه شده‌اید که دهکده‌های کردستان قتل عام میشوند ، ارتش در نواحی مختلف کردستان جولان میدهد و مردم بیگناه را به گلوله مینندد ، کارگران بیکار در درود و اندیشک و ماهشهر به خاک و خون کشیده میشوند و ۰۰۰۰ ولابد باید از خود بپرسید که این کارها برای چیست و ما میگوئیم اینها برای تأمین " امنیت " توسط بنی‌صدر است که در آغاز اسامال وعده کرده است و در دنبال همین تأمین " امنیت " (البته واضح است که امنیت برای سرمایه‌داران وابسته به امریالیسم نه برای کارگران و زحمتکشان) است که طی چند روز اخیر شاهد آغاز حمله به دانشگاهها هستیم .

بنابراین تمام این جریانها با همدیگر ارتباط دارند ، سرکوب کارگران در شرکت ملی پروژه‌ای و اخراج کارگران مبارز ، قتل عام دهکده ، قلاتان ، کشتار دیلمه های بیکار اندیشک و درود ۰۰۰۰ و بالاخره حمله به دانشگاهها همگی چون دانه‌های تسبیحی هستند که توسط هیئت حاکمه چرخانده میشود !



بقیه از صفحه ۸

نه سال پیش در چنین روزهایی ، زمانی که میلیونها نفر از کارگران سراسر جهان در تدارک جشن اول ماه مه بودند ، کارگران قهرمان جهان جیت ، به علامت اعتراض علیه ستمگرهای و بی‌عدالتیهای رژیم دیکتاتوری و ضد کارگری شاه دست به اعتصاب و راهپیمائی زدند . این حرکت انقلابی و شجاعانه کارگران در نظامی که هرگونه اعتراض ممنوع و غیرقانونی اعلام شده بود ، مسلم بود که بشدت سرکوب شود و چنین نیز شد . راهپیمائی این کارگران دلاور ما رگبار گلوله‌ها و زخم سرنیزه‌های مزدوران بخون کشیده شد



بهترین سالگرد اعتصاب خونین کارگران جهان چیت را
گراهی بداریم